

جیکوب لاندو
پان ترکسیم
یک قرن در کاپوی الحاق گری

ترجمہ دکتر حمید احمدی



سرشناسه: لاندو، جیکوب Landau, Jacob M. ● عنوان و نام پدیدآور: یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری / جیکوب لاندو؛ ترجمه حمید احمدی ● مشخصات نشر: تهران: نشر نی، ۱۳۸۲. ● نوبت چاپ: چاپ پنجم، ۱۴۰۳ ● مشخصات ظاهری: ۲۲۲ ص: مصور، نقشه، جدول. ● شابک: 7-679-312-964-978 ● وضعیت فهرست‌نویسی: فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا. ● یادداشت: عنوان اصلی: Pan-Turkism: From Irredentism to cooperation. ● یادداشت: کتابنامه ● موضوع: ۱. پان تورانیسم. ۲. الحاق‌گرایی - ترکیه. ۳. ترکیه - روابط خارجی - آسیای مرکزی. ۴. آسیای مرکزی - روابط خارجی - ترکیه. ● شناسه افزوده: احمدی، حمید، ۱۳۳۶ - مترجم ● رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۲ ت ۲ ج ۱۷ / DS ● رده‌بندی دیویی: ۵۶۱/۵۲۰/۲۲۰ ● شماره کتابشناسی ملی: ۸۱.۴۸۲۲۱ م

قیمت: ۳۷۰۰۰۰ تومان

www.ketab.ir



پان تورکیسم
یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری
جیکوب لاندو

مترجم: دکتر حمید احمدی
چاپ پنجم: تهران، ۱۴۰۳. ۱۵۰ نسخه
چاپ و صحافی: پردیس دانش
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۲-۶۷۹-۷

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی میری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰
کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۹-۸۸۰۰۴۶۵۸، شماره: ۸۹۷۸۲۴۴۴
www.nashreny.com ● email: info@nashreny.com ● nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن، کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

| | |
|-----|--|
| ۹ | مقدمه مترجم |
| ۱۹ | دبیاچه |
| ۲۹ | ۱. ترک‌های بیرونی: ظهور و سقوط پان ترکیسم در خارج |
| ۶۳ | ۲. پان ترکیسم در امپراتوری عثمانی: پیدایش و رشد |
| ۱۳۱ | ۳. پان ترکیسم در جمهوری ترکیه: مرحله پنهان |
| ۱۸۷ | ۴. پان ترکیسم در جمهوری ترکیه: خیزش دوباره |
| ۲۴۳ | ۵. پان ترکیسم در جمهوری ترکیه: بازگشت به مسیر اصلی |
| ۲۹۱ | ۶. پان ترکیسم به‌عنوان یک پدیده الحاق‌گرا |
| ۳۱۱ | ۷. از الحاق‌گری تا همبستگی |
| ۳۷۱ | پیوست: پان ترکیسم: گذشته، حال و آینده آن |
| ۳۷۵ | کتابنامه |
| ۴۰۱ | فهرست اعلام |

مقدمه مترجم

یکی از عمده‌ترین تحولات سیاسی و فکری خاورمیانه در آغاز قرن بیستم، ظهور جریان ناسیونالیسم در سراسر منطقه بود. از این میان سه جریان ناسیونالیستی بیش از همه بر سیر تحولات منطقه تأثیر گذاشتند: ناسیونالیسم عرب، ناسیونالیسم ترک و ناسیونالیسم ایرانی. یکی از عمده‌ترین تفاوت‌های میان این سه جریان ناسیونالیستی این بود که ناسیونالیسم عرب و ناسیونالیسم ترک در آغاز ماهیت قومی داشتند، یعنی نوعی گرایش فکری در جامعه‌ای (عثمانی) که متشکل از اقوام گوناگون دارای سوابق سیاسی، مذهبی و فرهنگی متفاوت بود. هر یک از دو جریان فوق در مراحل آغازین خود در پی تأسیس یک دولت جدید مبتنی بر گروه قومی عرب و ترک بودند. این احساس عربیت و ترک‌بودن، به‌ویژه به‌شکل سیاسی آن از اواسط قرن نوزدهم پیدا شد، و قبل از آن هر دو گروه بر مبنای هویت اسلامی در درون سیستم خلافت اسلامی زندگی می‌کردند. ناسیونالیسم ایرانی برخلاف این دو جریان فکری، ماهیت قومی نداشت تا در پی تأسیس دولت جدید از درون یک امپراتوری بزرگ‌تر باشد. برعکس، ناسیونالیسم ایرانی در واقع نوعی بیداری آگاهی ملی بود که به درجات گوناگون، البته بیشتر به‌شکل فرهنگی و سپس سیاسی در میان اقشار گوناگون جامعه ایرانی وجود داشت. تاریخ کهن دولت ایرانی که حداقل هزار سال قبل از ظهور اسلام تولد یافته بود از یک‌سو، و کتاب‌های گوناگون تاریخی و ادبی موجود به زبان‌های ایران باستان و به‌ویژه پهلوی و ترجمه آنها به عربی و

فارسی پیرامون تاریخ ایران، وجود میراث ادبی کهن، به شکل نظم و نثر، و تداوم آگاهی ملی ایرانیان، البته به شکل سنتی و نه مدرن آن، از سوی دیگر، در بیداری ملی ایرانیان نقش اساسی ایفا کرده بود. گذشته از این، وجود آثار حماسی همچون شاهنامه فردوسی با یادآوری دوران اسطوره‌ای و تاریخی ایران، ویژگی و برجستگی خاصی به آگاهی ملی و هویت ایرانیان در مقایسه با دو گروه قومی عرب و ترک بخشیده بود. ویژگی «قومی» جریان ناسیونالیسم عربی و ترکی و تلاش آنها برای ایجاد یک دولت یکدست قومی و بحران هویت شدیدی که در پایان قرن نوزدهم جامعه عثمانی را دربرگرفته بود، باعث شد که هردو ناسیونالیسم قومی عرب و ترک، به تدریج جنبه رمانتیک به خود گرفته و به مرزهای افراطی ایدئولوژی‌های «پان» قدم بگذارند. بدین خاطر بود که این دو جریان از اوایل قرن بیستم به بعد گونه‌های افراطی ناسیونالیسم «پان عربی» و «پان ترکی» را به خود گرفتند و برای یکپارچه کردن و ادغام سرزمین‌های پراکنده‌ای که به گمان آنها نشان از رگه‌های قومی آنها داشت تلاش کردند. بدین گونه بود که حتی پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، دولت‌های جدیدالتأسیس عربی و ترکیه با الهام‌گیری از ایدئولوژی الحاق‌گرایانه «پان عربیسم» و «پان ترکیسم» در پی گسترش نفوذ سرزمینی خود به مناطق همجوار و گاه دور از مرزهای خود برآمدند. ناسیونالیسم ایرانی، حتی در نوع «پان» خود که به لحاظ زمانی مدت‌ها پس از پان ترکیسم و پان عربیسم ظهور کرد، هیچ‌گاه جلوه‌های الحاق‌گرایانه و افراطی به خود نگرفت. این به‌ویژه از اینجا ناشی می‌شده که ناسیونالیسم ایرانی بنا به ماهیت خود، برخلاف دو جریان ناسیونالیسم عرب و ترک، در پی درهم‌ریختن نظم سرزمینی و فروپاشی و الحاق سرزمین‌های دیگر برای پی‌ریزی یک دولت قومی نبود، بلکه بیشتر بر آن بود تا در درون مرزهای دولت-ملی ایران به بازسازی نظام سیاسی ایرانی بپردازد، و زمینه‌ها را برای نوسازی و پیشرفت جامعه ایرانی فراهم آورد. به دلیل همین تفاوت‌های اساسی بود که سه جریان ناسیونالیستی عمده خاورمیانه به لحاظ تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی، با یکدیگر تفاوت اساسی داشتند. پان ترکیسم با تبدیل شدن به ایدئولوژی رسمی دولت ترک‌های جوان پس از ۱۹۱۰، عامل اصلی درگیر شدن عثمانی در جنگ جهانی اول شد و با تکیه بر آرمان‌های

رؤیایگونه خود جهت اتحاد ترک‌های جهان قدم به راهی گذاشت که ویرانی و فروپاشی امپراتوری عثمانی را به دنبال آورد. از سوی دیگر ناسیونالیسم عرب نیز که در اوایل قرن بیستم با جریان پان ترکی کشاکش آشتی‌ناپذیر داشت، با شروع جنگ به نیروهای متفقین پیوست و از درون شورشی نظامی را علیه عثمانی به راه انداخت که در ساقط کردن رژیم ترک‌های جوان و فروپاشی عثمانی بسیار مؤثر بود.^۱ برعکس، ناسیونالیسم ایرانی به دلیل برخورداری از سرزمین و دولت خاص خود، راه اعتدال در پیش گرفت و در جریان جنگ جهانی نخست، با گزیدن سیاست بی طرفی، آن‌هم علی‌رغم اینکه سرزمین ایران - به ویژه مناطق غربی، و شمال غربی آن - صحنه کشاکش نیروهای متخاصم جنگ بین‌الملل بود، یکپارچگی سرزمینی و تداوم دولتی خود را تضمین کرد. این ناسیونالیسم در راستای هدف بازسازی نظام سیاسی و توسعه ایران، در سال‌های پس از جنگ جهانی اول زمینه‌های شکل‌گیری دولت مدرن و آغاز فرایند نوسازی را فراهم ساخت. جلوه دیگر تلاش ناسیونالیسم ایرانی در راه توسعه اقتصادی و سیاسی جامعه ایرانی، نهضت ملی شدن صنعت نفت و کشاکش آن با بریتانیا بود که در نوع خود بر سایر اقدامات ناسیونالیستی نسبتاً توسعه‌گرا، نظیر ناسیونالیسم مصری و ملی شدن کانال سوئز در ۱۹۵۶ تأثیر گذاشت.

همین تفاوت ماهیت سه ناسیونالیسم فوق، یعنی ناسیونالیسم «فروپاشنده - الحاق‌گرای عرب و ترک و ناسیونالیسم «نوسازی‌گرای ایرانی، نه تنها جریان ناسیونالیسم عرب و ترک را به سوی «افراط‌گرایی و گسترش طلبی سرزمینی» (برای ادغام سرزمین‌های «هم‌قوم» در کشورهای عربی و ترکیه) کشاند، و ناسیونالیسم ایرانی را همچنان در حالت «اعتدال‌گرایی» نگه داشت، بلکه باعث شد که ناسیونالیست‌های عرب و ترک، در مقایسه با ایران، تلاش بیشتری برای نظریه‌پردازی درباره ماهیت و اهداف ناسیونالیسم خود به عمل آورند. یکی از

۱. ر.ک: مذاکرات محرمانه ماکماهون (نماینده انگلستان) و شریف حسین رهبر ناسیونالیست‌های عرب، جهت هماهنگی اقدامات نظامی علیه عثمانی در: حمید احمدی، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷، صص ۱۳۷-۱۴۹.

عواملی که باعث کثرت کارهای نظری پیرامون ناسیونالیسم عرب و ترک شد، همان ویژگی «بان» بودن و به عبارت دیگر «الحاق‌گرایی» آنها بود، که بان عربیست‌ها و بان ترکیست‌ها را حتی پس از بنیان‌گذاری کشورهای عربی و ترک در رابطه با دست‌یابی به اهداف موردنظر متقاعد نکرد. به همین دلیل بود که نظریه‌پردازان بان عرب و بان ترک، پس از سال‌های جنگ جهانی اول نیز به شرح و بسط ایدئولوژی خود و اصول، برنامه‌ها و اهداف آن، در جهت توجیه الحاق سایر سرزمین‌ها به کشورهای عربی یا ترکیه دست زدند. ناسیونالیست‌های ایرانی، به دلیل غیرالحاق‌گرایی، و توجه به بازسازی اقتصادی-سیاسی نظام و جامعه ایرانی، درصدد نظریه‌پردازی درباره اهداف، اصول و برنامه‌های ناسیونالیسم ایرانی برنیامدند، و تلاش‌های خود را بیشتر در راه مبارزه با استعمار خارجی یا استبداد داخلی معطوف کردند.

ویژگی «بان» و «الحاق‌گرایانه» بعدی ناسیونالیسم عرب و ترک باعث بروز کشمکش‌های درونی در خاورمیانه پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی شد، و این سه جریان ناسیونالیستی را در برابر هم قرار داد. نه تنها اعراب و ترک‌ها بر سر برخی سرزمین‌های امپراتوری سابق عثمانی، نظیر ایالت اسکندرون (که ترکیه و سوریه هردو مدعی آن بودند و فرانسوی‌ها در ۱۹۳۹ آن را به ترکیه واگذار کردند) با یکدیگر کشمکش پیدا کردند، بلکه بر سر «الحاق» سایر سرزمین‌های خاورمیانه‌ای با ملت‌های دیگر به نزاع پرداختند. نکته جالب اینجاست که هردو جریان الحاق‌گرا و رمانتیک «بان عربیسم» و «بان ترکیسم»، به بخش‌هایی از سرزمین ایران چشم طمع دوخته و درصدد الحاق آن به جهان عرب یا ترکیه (یا امپراتوری رؤیایی ترک‌ها) برآمده‌اند. بدین‌گونه بود که «بان عربیسم» در سال‌های پس از دهه ۱۹۲۰، بخش‌های عمده‌ای از ایران، نظیر خوزستان، خلیج فارس و جزایر ایرانی آن، و حتی بلوچستان^۱ را سرزمین‌های عربی می‌خواند و در گفتار و کردار درصدد الحاق آنها به

۱. بان عربیست‌های افراطی، نظیر رژیم بعث عراق و ریاض نجیب‌الریس پژوهشگر عرب ساکن پاریس، با سرهم‌بندی برخی مسائل تاریخی مدعی عرب‌بودن بلوچستان شده و خواستار تلاش گسترده اعراب برای رهاسازی بلوچستان از خاک ایران و اعاده هویت به اصطلاح عربی

جهان عرب بود. از سوی دیگر «پان ترکیسم»، ترک‌زبان‌بودن بخش‌هایی از مناطق ایران را وسیله‌ای در جهت آرمان‌های الحاق‌گرایانه قرار داد، و در مقاطع مختلف تاریخی درصدد الحاق آنها برآمد. همین الحاق‌گرایی دو جریان «پان عربیسم» و «پان ترکیسم» و دعاوی آنها درباره سرزمین‌های ایرانی باعث شد که بعدها یک جریان کوچک «پان ایرانی» از درون ناسیونالیسم ایرانی ظهور کند و به دعاوی الحاق‌گرایانه فوق پاسخ گوید. بدین ترتیب «پان ایرانیسم» نه به‌عنوان یک جریان اولیه و ذاتی ناسیونالیسم ایرانی، بلکه به‌عنوان یک حرکت ثانوی و در پاسخ به دعاوی ارضی و توسعه‌طلبی پان عربیسم و پان ترکیسم نسبت به ایران ظهور کرد.^۱ با این‌همه این جریان «پان ایرانی» در مقایسه با دو جریان دیگر پان عربی و پان ترکی، معتدل‌تر بوده و بیشتر موضع تدافعی و فرهنگی داشته است تا تهاجمی و «الحاق‌گرا»^۲

آن شده‌اند. در این باره ر.ک.: حمید احمدی، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹، صص ۳۲۳-۳۲۵.

۱. محمود افشار یکی از ناسیونالیست‌های ایرانی، در یکی از مقالات خود، به روشنی توضیح می‌دهد که پان ایرانیسم تحت تأثیر اندیشه‌های الحاق‌گرایانه پان ترکیسم و پان تورانیسم به‌وجود آمد. وی ضمن توضیح تلاش‌های الحاق‌گرایانه پان ترکیست‌ها علیه ایران، در اروپا، عثمانی و ترکیه نوین، می‌گوید: «من از همان ایام تحصیل و معاشرت با عثمانی‌ها کاملاً به افکار (پان تورانیست) و ضد ایرانی آنها پی بردم و می‌توانم بگویم که (پان ایرانیسم) را من از (پان تورانیسم) آموختم». ر.ک.: دکتر محمود افشار یزدی، گنجینه مقالات: جلد اول، مقالات سبلی یا سیستانه جدید، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۶۸، ص ۵۲۸.

۲. نمونه اندیشه پان ایرانیسم معتدل و مخالف الحاق‌گرایی را می‌توان در نوشته‌های دکتر محمود افشار پیدا کرد. وی با صراحت تمام هرگونه اندیشه و گرایش الحاق‌گرایانه از سوی ایرانی‌ها را رد کرده است. وی در جایی ضمن مخالفت شدید با الحاق‌گرایی می‌گوید: «در این گفتار نظر خود را نسبت به 'پان ایرانیسم' روشن می‌کنم. سابقن هم راجع به «هفده شهر قفقاز» و دیگر نقاط خارج از حدود کنونی ایران در کتاب سیلست اروپا و مجله آینده و دیگر جراید نوشته‌ام که ایران نباید نسبت به آنها نظر سیاسی و ارضی داشته باشد... نوشتن مقالاتی از این نوع... و بلندپروازی‌های بیهوده جز ایجاد سوءتفاهم در میان همسایگان ما، و به ضرر ایران، نتیجه‌ای ندارد». ر.ک.: دکتر محمود افشار یزدی، افغان‌نامه، جلد سوم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۸۰، صص ۴۷۸-۴۷۹، و نیز صص ۴۷۵-۴۸۸.

حجم آثار و پژوهش‌های مربوط به دو جریان فکری سیاسی پان عربیسم و پان ترکیسم در سطح جهانی یکسان نبوده است. درحالی‌که پیرامون پان ترکیسم آثار بسیار معدودی در جهان انتشار یافته است، حجم آثار و پژوهش‌های مربوط به ناسیونالیسم عرب و پان عربیسم، چه به زبان‌های غربی و چه عربی، به مراتب بیشتر از آثار مربوط به ناسیونالیسم ترک است. شاید یکی از دلایل عمده این توجه اندک به جریان پان ترکی، به جنبه‌های شدیداً رمانتیک، انزوا و غیرواقعی بودن این ایدئولوژی برگردد. به عبارت دیگر در مقایسه با پان عربیسم و ناسیونالیسم عرب، که اهداف و دعای آن ملموس تر بوده و بنیادی واقع‌گرایانه تر داشته است، پان ترکیسم به شدت جنبه رمانتیک داشته و از نظر پژوهشگران و محققان جهانی دارای بنیان‌های واقع‌گرایانه تاریخی نیست که بتوان درباره آن به پژوهش پرداخت. بدین‌خاطر است که در مقایسه با آثار مربوط به ناسیونالیسم عرب و پان عربیسم، تعداد آثار پژوهشگرانه مربوط به ناسیونالیسم ترک و به ویژه نوع «پان ترکیسم» آن بسیار محدود است، و کمتر محقق پیرامون آن به کنکاش پرداخته است. گرچه حجم مقالات پراکنده مربوط به پان ترکیسم تا حدی درخور توجه است، اما تعداد کتاب‌های موجود پیرامون آن به مراتب کمتر بوده است. این به ویژه در رابطه با اثری که جریان فکری سیاسی پان ترکیسم را از آغاز تاکنون مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد صادق بوده است، چراکه به استثنای اثر کنونی، هیچ کتاب جامعی پیرامون پان ترکیسم در جهان غرب انتشار نیافته است. معدود آثار موجود پیرامون پان ترکیسم که به صورت کتاب انتشار یافت، بیشتر مربوط به سال‌های آغازین ظهور پان ترکیسم تا اواسط دهه ۱۹۲۰ بوده است. شاید عمده‌ترین این آثار کتاب معروف زاره‌وند^۱ بود، که در ۱۹۲۴ انتشار یافت و شرح دقیق و خوبی از پان ترکیسم و فعالیت‌های آن ارائه می‌داد. اما پس از گذشت حدود ۸۰ سال از انتشار این کتاب، به اثر جامعی نیاز بود که سیر تحول پان ترکیسم را از آغاز تاکنون بررسی کند.

بدون شک مهم‌ترین و به عبارتی تنها اثر جامع مربوط به پان ترکیسم، کتابی

۱. درباره این کتاب و ترجمه فارسی آن ر.ک.: منبع شماره ۲، فصل ۱، ص ۴۹ همین کتاب.

است که ترجمه آن از نظر خوانندگان ایرانی می‌گذرد. گسترش فعالیت‌های جریان‌های پان ترکیستی در منطقه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای قفقاز و آسیای میانه، و تلاش‌های رسمی دولت ترکیه و درکنار آن جمهوری آذربایجان برای پیشبرد پروژه پان ترکی، و ارتباطی که این‌گونه تلاش‌ها می‌تواند با منافع ملی ایران در سطح داخلی و منطقه‌ای داشته باشد، ضرورت شناخت بیشتر و گسترده‌تر جریان پان ترکی را دوچندان کرد. طبیعی بود که علی‌رغم وجود برخی مقالات پژوهشی خوب و آگاهی‌بخش نویسندگان ایرانی، درباره پان ترکیسم^۱، به اثر جامع‌تری نیاز می‌رفت که ابعاد این پدیده را با شرح و بسط دقیق‌تری به خوانندگان ایرانی معرفی کند.

با توجه به همین ضرورت بود که مترجم به برگردان اثر کنونی به فارسی، که در واقع تنها‌ترین و معتبرترین اثر پیرامون پان ترکیسم در سطح جهانی است، اقدام کرد. این کتاب توسط جیکوب لاندو استاد اسبق مطالعات خاورمیانه دانشگاه عبری بیت‌المقدس در سال ۱۹۸۴ نوشته شد و در سال ۱۹۹۵ پس از تحولات جدید ناشی از فروپاشی شوروی و احیای مجدد پان ترکیسم و تبدیل آن به ایدئولوژی نیمه‌رسمی دولت ترکیه و ایدئولوژی رسمی جمهوری آذربایجان، تجدید چاپ شد. جیکوب لاندو با تسلط به زبان‌های ترکی، روسی، آلمانی، عربی و البته انگلیسی و استفاده از آرشیوهای گوناگون ترکیه عثمانی و جدید، روسیه شوروی و آلمان، اثری ارائه داده که کمتر پژوهشگری توان انجام آن را داشته است. در واقع کتاب کنونی از سوی تمامی پژوهشگرانی که درباره پان ترکیسم به نوشتن

۱. عمده‌ترین آثار پژوهشگران ایرانی پیرامون پان ترکیسم به شرح زیر است:

عنایت‌الله رضا، «ترکان، پان ترکیسم و پان تورانیسم»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌های ۵۸-۵۷ (خرداد و تیر ۱۳۷۱)؛ کاوه بیات، «ناسیونالیسم ترک و ریشه‌های تاریخی آن»، نگاه نو، شماره ۴ (دی ۱۳۷۰)؛ کاوه بیات، «مقدمه» در آذربایجان در موج خیز تاریخ، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹؛ حمید احمدی، «ایران و استراتژی پان ترکیسم پس از فروپاشی شوروی»، مجموعه مقالات همایش تاریخی و ادبی فراق، تبریز، گردآورنده: دکتر محبوب طالعی، مؤسسه فرهنگی اران، ۱۳۸۱؛ نادر انتخابی، «از عثمانی‌گری تا تورانی‌گری، خاستگاه و نقش تاریخی ناسیونالیسم ترک»، نگاه نو، شماره ۱۶ (مهر و آبان ۱۳۷۲).

مقاله پرداخته‌اند، مورد استفاده گسترده قرار گرفته است.

کتاب کنونی از چند جهت دارای امتیازات متعدد است: نخست اینکه جامع‌ترین نوشته پیرامون پان ترکیسم از هنگام ظهور آن در نیمه دوم قرن نوزدهم تا پایان قرن بیستم در ۱۹۹۵ است. بی‌گمان هیچ اثر دیگری تاکنون نتوانسته است بدین‌گونه سیر تحول ایدئولوژی و جریان سیاسی پان ترکی را به جهانیان معرفی کند. دوم اینکه کتاب توصیف دقیقی از فعالیت‌های پان ترکیست‌ها، به‌ویژه در سطح انتشار مطبوعات و کتاب‌های گوناگون از آغاز تاکنون به دست می‌دهد. سوم اینکه در جریان این شرح و بسط فعالیت‌های مطبوعاتی و سیاسی در داخل ترکیه، نویسنده از لابه‌لای تجزیه و تحلیل مطالب نشریات پان ترکی، به معرفی دقیق دیدگاه‌ها و ایدئولوژی‌های گروه‌های پان ترکیست ترکیه می‌پردازد. در جریان همین بررسی‌هاست که خوانندگان به ماهیت و اهداف ایدئولوژی پان ترکی، به‌ویژه ویژگی نژادپرستانه و الحاق‌گرایانه آن پی می‌برند. چهارم اینکه در فصل‌های پایانی کتاب، نویسنده استراتژی نوین پان ترکی دولت ترکیه را تشریح کرده و ابعاد گوناگون سیاست‌های این دولت را جهت بسط کردن ابعاد گوناگون پروژه پان ترکی در منطقه معرفی می‌کند. سرانجام اینکه کتاب به خودی خود، گسترده‌ترین کتابنامه پیرامون پان ترکیسم محسوب می‌شود، چرا که در لابه‌لای فصول گوناگون آن صدها منبع مربوط به پان ترکیسم و اندیشه‌های نظریه پردازان و فعالان آن و فعالیت‌های آنها برای پیشبرد پروژه پان ترکی ارائه شده است، و این خود بهترین و گرانبهارترین امتیازی است که می‌تواند زمینه کارهای بیشتر از سوی پژوهشگران درباره پان ترکیسم را فراهم سازد.

کتاب روی هم رفته چند نکته اساسی را در رابطه با پان ترکیسم به عنوان یک ایدئولوژی و عمل سیاسی به خوانندگان نشان می‌دهد که می‌توان آنها را به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. پان ترکیسم به لحاظ ماهیت، یک ایدئولوژی نژادپرستانه است، و همانگونه که از لابه‌لای مطالب فصل‌های گوناگون کتاب برمی‌آید این شونیزم نژادی و شعار «برتری نژاد ترک بر سایر نژادها» در نوشته‌های اغلب نویسندگان پان ترکیست مشاهده می‌شود (برای نمونه ر.ک.: منابع شماره ۱۴۷، ۱۴۸ و ۱۵۳ فصل سوم).

۲. پان ترکیسم به همان اندازه که یک ایدئولوژی نژادگرایانه است، به شدت رمانتیک و تخیلی نیز هست. تأکید بر یگانگی نژاد ترک در کشورهای پراکنده دارای لهجه‌های متفاوت ترکی، ایجاد یک امپراتوری رؤیایی از دل اورپا تا دل چین، و استفاده از نمادهایی چون گرگ خاکستری (بوزکورت) در نشریات و تبلیغات گروه‌های پان ترکیستی - نظیر حزب حرکت ملی - نمونه این رمانتیسم و تخیل‌گرایی است.

۳. گروه‌های نخبه‌گرای پان ترکی، چه در ترکیه یا سایر مناطق، نه تنها به لحاظ کمیت گروه‌های کوچک برخوردار از طرفداران محدود بوده‌اند، بلکه میان این گروه‌ها و نخبگان سیاسی و فکری آنها رقابت‌های شدیدی نیز بر سر رهبری جریان پان ترکی مشاهده می‌شود (به ویژه ر.ک.: مطالب فصل سوم).

۴. پان ترکیسم در نوع خود یک ایدئولوژی و جنبش الحاق‌گرایانه نیز هست، و نوشته‌های پان ترکیست، در عمل رهبران آنها (برای نمونه در دوره «ترک‌های جوان»، سال‌های دهه ۱۹۷۰، و پس از فروپاشی شوروی) حاکی از این است که الحاق سایر سرزمین‌های دارای جمعیت‌های ترک‌زبان از اهداف عمده پروژه پان ترکی بوده است.

۵. مطالب جسته و گریخته کتاب نشانگر آن است، که گروه‌های پان ترکیست از همان دهه اولیه قرن بیستم به بعد، طرح‌های الحاق‌گرایانه خود نسبت به مناطق آذری‌نشین و سایر مناطق ایران و کشورهای همسایه عراق و افغانستان را دنبال می‌کرده‌اند، و گاه به ویژه، در سال‌های حاکمیت «ترک‌های جوان» و احتمالاً سال‌های پس از فروپاشی شوروی، گروه‌های پان ترکی به فعالیت‌های سازمانی برای پیشبرد پروژه الحاق‌گرایانه پان ترکی در ایران، و دو کشور دیگر عراق و افغانستان نیز دست می‌زده‌اند. درک این نکته خود بحث جداگانه‌ای را در رابطه با جایگاه این سه کشور در پروژه پان ترکی می‌طلبد.

در کنار این، کتاب دارای کمبودهایی نیز هست که نباید آن را از نظر دور داشت. شاید یکی از عمده‌ترین کمبودهای کتاب، توصیف صرف فعالیت‌های داخلی پان ترکیست‌های ترکیه و تجزیه و تحلیل اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های الحاق‌گرایانه آنها باشد. به عبارت دیگر، نویسنده هیچ‌گونه شرح دقیقی از فعالیت‌های

پان ترکیست‌ها در رابطه با سایر کشورها به دست نمی‌دهد، و جنبه‌های عملیاتی پان ترکیسم را در خارج بررسی نمی‌کند. البته باید توجه داشت این کاری است بس دشوار، که تنها از راه بررسی نشریات گروه‌های پان ترکی به دست نمی‌آید، و به تلاش‌های گسترده‌تری در آرشیوهای محرمانه کشورهای غیر از ترکیه نیازمند است. کمبود دیگر کتاب آن است که کارهای نظری و عملی پان ترکیست‌ها را از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد پوشش نمی‌دهد، و این درحالی است که برای پیشبرد پروژه پان ترکیسم در منطقه و انطباق نظریه‌های کلاسیک پان ترکی (به ویژه پروژه سیاسی آن در نوشته‌های ضیاء گوک‌آلب - معروف به پدر پان ترکیسم) با تحولات نوین این سال‌ها، تلاش‌های نظری و فعالیت‌های عملیاتی گوناگونی صورت گرفته است.

مترجم برای جبران این کمبودها بر آن شد تا مهم‌ترین تلاش‌های عملیاتی و نظری پان ترکیست‌ها را در چندساله اخیر مورد بررسی قرار داده و آن را برای خوانندگان ایرانی ارائه دهد. در جریان کنکاش‌های خود، مترجم به این نتیجه رسید که عمده‌ترین تلاش‌های نظری پان ترکیست‌ها برای انطباق ایدئولوژی و پروژه پان ترکی با دوره پس از سقوط اتحاد شوروی را باید در بحث‌های صابر زیان بدرالدین جست‌وجو کرد. به همین خاطر در میان آثار گوناگون او، مترجم مهم‌ترین نوشته‌ای را که می‌تواند بیانگر برنامه کنونی پان ترکیسم باشد، برگزید تا در پیوست کتاب درج کند. بی‌گمان این برنامه را باید در مقاله معروف او با عنوان «پان ترکیسم، گذشته، حال و آینده»^۱ یافت که ترجمه آن در پیوست از دید خوانندگان گرامی می‌گذرد. به نظر می‌آید که پیشنهادهای مندرج در این نوشته کوتاه، درحال حاضر در دستور عملیاتی گروه‌های پان ترکی در منطقه قرار گرفته است، و آنها تأکید بر مسائل فرهنگی و زبانی در کشورهای دارای گروه‌های ترک‌زبان را به عنوان مقدمه‌ای برای فراهم ساختن مراحل بعدی ادغام و الحاق سیاسی و سرزمینی در صدر برنامه‌ها و خواسته‌های خود قرار داده‌اند.

به هرصورت از آنجا که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال

1. Sabirzyan Badrettin, *Pan-Turkism: Past, Present and Future*.

جمهوری‌های قفقاز و آسیای میانه، جریان پان‌ترکیستی در ترکیه و جمهوری آذربایجان جان دوباره گرفته و در جهت اجرای پروژه پان‌ترکی تلاش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گوناگونی را انجام می‌دهد، و از آنجا که دامنه این نوع فعالیت‌ها و تلاش‌ها به گونه‌ای به داخل ایران نیز سرایت کرده است، ترجمه این کتاب می‌تواند برای درک ماهیت و سیر تحول تفکر و جریان پان‌ترکی مفید افتد.

مترجم بر خود لازم می‌داند از تمامی کسانی که در راه به پایان‌رساندن این ترجمه و بهینه‌ساختن آن او را کمک و تشویق کردند، به ویژه از آقایان کاوه بیات به خاطر خواندن متن ترجمه و ارائه پیشنهادات سازنده در رابطه با برخی نام‌ها، و حوادث، و نیز آقای احمد جانسیز به خاطر کمک به معادل‌سازی فارسی نام‌ها و واژه‌های ترکی استانبولی سپاسگزاری کند.

حمید احمدی

تهران، بهمن‌ماه ۱۳۸۱

دیباچه

الحاق‌گری^۱، به‌عنوان پدیده‌ای دیرپا در خاور نزدیک و میانه، تجلی ایدئولوژیک یا سازمانی علاقه عاطفی به رفاه اقلیت قومی بیرون از مرزهای کشوری تعریف شده است که همان نوع مردم را در [داخل مرزهای خود] دارد. الحاق‌گری معتدل بیانگر تمایل به دفاع از گروه خویشاوند در برابر تبعیض یا یکسان‌سازی است، درحالی‌که جلوة افراطی تر الحاق‌گری در پی به‌دست آوردن سرزمینی است که گروه خویشاوند در آن می‌زیند. گرچه الحاق‌گری پدیده‌ای جهان‌شمول نیست، اما به‌ظاهر رایج‌تر از آن است که عموماً گمان می‌رود. پروفیسور میرون وینر با اشاره خاص به بالکان (۱) موضوع را مختصراً مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است، اما بیشتر گفته‌های او در مورد اواخر امپراتوری عثمانی و جمهوری ترکیه نیز، که در آن ایدئولوژی پان‌ترکیسم سال‌های متمادی منبع اصلی الحاق‌گری بود، کاربرد پیدا می‌کند. هدف اصلی این جنبش، درنهایت تلاش جهت نوعی وحدت - فرهنگی یا مادی یا هر دو - میان تمامی مردمانی است که واقعاً یا به‌ظاهر ریشه‌های ترکی دارند، و در داخل یا خارج از مرزهای امپراتوری عثمانی (و در نتیجه در خارج یا داخل جمهوری ترکیه) زندگی می‌کنند.

میان پان‌ترکیسم، با تعریف سابق‌الذکر، و تورانیسم (که گاه پان‌تورانیسم خوانده

می‌شود) تفاوت وجود دارد، چراکه هدف اصلی بان تورانیسم نزدیکی و درنهایت اتحاد تمامی مردمانی است که گمان می‌رود ریشه‌های آنها به توران، یعنی منطقه نامشخص خیالی و بهشت‌گونه دشت‌های آسیای میانه می‌رسد (۲). بر اساس یک سند ترکی مربوط به سال ۱۸۳۲ در خانات خوقند، توران از سوی حاکمان آن در دوره‌های مختلف، به‌تناوب به ترکستان، تاتارستان، ازبکستان و مغولستان اطلاق می‌شده است.^۱ مرزهای توران از سمت شرق به چین، از سوی جنوب به تبت، هند

۱. برابر دانستن واژه «توران» و «تورانی‌ها» با «ترک» و «ترک‌ها» و قلمدادکردن «توران» به‌عنوان سرزمین ترک‌ها، که در اکثر متون بان ترکیستی و آثار تحقیقاتی مربوط به آن به چشم می‌خورد، یکی از برداشت‌های نادرست تاریخی بحث‌های بان ترکی است. واژه توران اساساً برای اولین بار در متون کلاسیک و زرتشتی به‌عنوان بخشی از «ایران‌زمین» (ایران وجه) آمده است. شاهنامه فردوسی، که بارها به واژه‌های توران و تورانی و تورانی‌ها اشاره کرده است نیز نه‌تنها این منطقه اسطوره‌ای را بخشی از «ایران‌زمین» می‌داند، بلکه علت نام‌گذاری آن را نیز بیان می‌کند. بر اساس شاهنامه، منطقه تحت قلمرو «تور» یکی از پسران فریدون، شاه آرمسانی ایرانیان در متناهی شمال شرقی ایران‌زمین بود. تور به‌همراه «سلم»، از روی حسادت و بر سر قدرت، برادر خود «ایرج» را که از سوی فریدون به‌عنوان پادشاه ایران تعیین شده بود، در یک توطئه می‌کشند. پس از این حادثه فریدون پسر ناخلف خود تور را مجازات می‌کند، اما پس از آن گاه‌به‌گاه میان طرفداران تور و بعدها نخبگان تحت قلمرو او و سایر ایرانی‌ها درگیری‌هایی به‌وجود می‌آید. مهاجرت قبایل ترک به ایران‌زمین (و ابتدا به توران) از قرن هشتم میلادی به‌بعد، و استقرار آنها در آن بخش از ایران باعث این برداشت نادرست شد که توران، سرزمین ترک‌ها بوده است. اما پژوهشگران برجسته ایران‌شناس، شرق‌شناس و ترک‌شناس نظیر باسورث، کاوالسکی، برتولد اشپولر، بارتولد و زنگوفسکی بر این نکته تأکید کرده‌اند که نباید توران را با ترک برابر گرفته و آن را سرزمین ترکان تصور کرد. چنین گمان می‌رود که شرق‌شناسان و پدران اولیه بان ترکیسم نظیر آرمینیوس وامبری و لئون کاهون (ناآگاهانه و شاید هم آگاهانه) مسئول اصلی این برداشت‌های نادرست بوده‌اند، و آن را به بان ترکیستی‌ها انتقال داده‌اند. زنگوفسکی به‌خوبی به این خطای تاریخی اشاره می‌کند و می‌گوید:

آقایف، ضیاء گوک آلپ [معروف به پدر بان ترکیسم] و ناسیونالیست‌های طرفدار آنان چنان غرق شور و اشتیاق بودند که نمی‌دانستند ستایش توران به‌عنوان موطن افسانه‌ای جامعه ترک-مغول متأسفانه بر یک برداشت نادرست ادبی و علمی استوار بود. اصطلاح «توران» در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به‌غلط برای اشاره به سرزمین ترکی-مغولی آسیای مرکزی به‌کار رفت. این اشتباه بیشتر ناشی از شباهت‌های موجود

و ایران، از سوی غرب به دشت قبچاق و دریای خزر، و از سوی شمال باز هم به دشت قبچاق محدود است (۳). تورانیسم بعدها به مفهوم بسیار وسیع تری از پان ترکیسم تبدیل شده است که مردمانی همچون مجارها (۴)، فنلاندی‌ها و استونی‌ها را دربرمی‌گیرد. تورانیسم به‌عنوان پاسخی به تهدید اسلاوها، با موجی از محبوبیت مواجه شد (۵)، و از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۷۰ نشریه‌ای به نام توران به‌طور منظم انتشار می‌یافت. اندیشه تورانیسم بسیاری از پان ترکیست‌های ترکیه را نیز به خود جلب کرد و آنها اصطلاح توران را به گونه‌ای در نوشته‌های خود به کار بردند تا به تعبیری وسیع‌تر، که لزوماً به معنی پذیرش نزدیکی خودشان با مردمان غیرترک نبود، به سرزمین یا وطن ترکی اشاره کنند (۶).

ظاهراً فردی که بیش از همه و برای نخستین بار مسئولیت مشهور ساختن مفهوم توران و پان ترکیسم را به عهده داشت آرمینیوس (هرمن) وامبری^۱ (۷) سیاح و شرق‌شناس یهودی-مجاری بود. وامبری علاوه بر معرفی زبان‌ها و فرهنگ عامه آسیای میانه به خوانندگان کتاب‌ها و مقالات متعدد خود، فصل کاملی از کتاب خود به نام نقش انگاره‌های آسیای میانه^۲ را که اولین بار در ۱۸۶۸ منتشر شد (۸)، به تورانی‌ها اختصاص داد. او استدلال می‌کرد که تعاملی گروه‌های ترکی به یک نژاد

میان کلمات «توران» و «ترک» بوده است. توران در اصل آن‌گونه که در سنت اساطیری ایرانی در شاهنامه اثر حماسی فردوسی آشکار است، به مفهوم سرزمین باستانی مردم ترک-مغول نبوده است، بلکه به سرزمین ساکنان شمالی ایران اطلاق می‌شد که تا قرن ششم پس از میلاد در سراسر آسیای مرکزی می‌زیستند. در نتیجه، فرهنگ اصطلاحات پان ترکی و همه تلاش‌های پان ترک‌ها برای معرفی «سرزمین باستانی و باشکوه توران» به‌عنوان مظهر ملیت ترک، حاصل سوءاستفاده از یک اصطلاح جغرافیایی منسوخ شده بوده است. ر.ک. به:

Serge A. Zenkovsky, *Pan-Turkism and Islam in Russia*, (Cambridge, Harvard University Press, 1969), p. 110.

درباره جایگاه توران در ایران زمین ر.ک.: حسین شهیدی مازندرانی، مرزهای ایران و توران بر بنیاد شاهنامه فردوسی، با مقدمه فریدون جنیدی (تهران، بنیاد نیشابور، ۱۳۷۶)؛ و نیز: صفر عبدالله، «مناسبات مرزی ایران و توران به روایت شاهنامه فردوسی»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دوم، شماره‌های ۷ و ۸ (تابستان و پاییز ۱۳۸۰)، صص ۱۵۷-۱۵۸.

1. Arminius (Hermann) Vambery

2. *Sketches of Central Asia*

تعلق دارند و بر اساس نشانه‌های فیزیکی و رسم و رسومات به شعبه‌های فرعی تقسیم می‌شوند. او در کتاب دیگری به نام سفرهایی در آسیای میانه^۱، که سه سال قبل از آن منتشر شد (۹)، طرح کلان یک امپراتوری پان ترک را به شرح زیر ترسیم کرد:

خاندان عثمان به خاطر دودمان ترکی‌اش، می‌توانسته است بر اساس عناصر خویشاوندی گوناگونی که از طریق زبان مشترک، مذهب و تاریخ به هم مرتبط هستند، امپراتوری وسیعی را از ساحل آدریاتیک تا چین بنیان‌گذاری کند که از امپراتوری رومانوف کبیر (۱۰) بسیار قدرتمندتر بود، چرا که او مجبور بود ناهماهنگ‌ترین و نامتجانس‌ترین عناصر را از طریق زور و نیرنگ برای سرهم کردن امپراتوری خود به کار گیرد. آناتولی‌ها، آذربایجانی‌ها، ترکمن‌ها، ازبک‌ها، قرقیزها و تاتارها اجزایی هستند که از ترکیب آنها یک قدرت عظیم ترکی می‌تواند به پا خیزد، و قدر مسلم از ترکیه‌ای که امروزه می‌بینیم بهتر قادر خواهد بود با رقیب بزرگ شمالی هم‌اوردی کند.

گرچه وامبری در سال‌های بعد عقب‌نشینی کرد و پان ترکیسم را یک پدیده خیالی واهی نامید (۱۱)، اما تصویر یک امپراتوری پان ترکی را در دسترس همه کسانی که مایل به طرفداری از آن بودند قرار داد. روابط نزدیک وامبری با چندتن از رهبران ترک‌های جوان (۱۲)، احتمالاً در طرفداری آنها از اصول پان ترکیسم نقشی اساسی داشته است.^۲

گرچه پان ترکیسم یکی از مهم‌ترین و جالب‌ترین ایدئولوژی‌های رایج در میان مردمان خاور نزدیک و میانه بوده است، اما تمامیت آن در چارچوب ترکیه هرگز

1. *Travels in Central Asia*

۲. دو کتاب بسیار مهم از آثار وامبری به زبان فارسی ترجمه شده است. ر.ک.: آرمینیوس وامبری، سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴؛ آرمینیوس وامبری، زندگی و سفرهای وامبری: دنباله سیاحت درویشی دروغین، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲. م.

BOZKURT



SAYI
11

TEMMUZ
1941

KURUŞ
20

روی جلد نشریه بوزکورت (گرگ خاکستری) ارگان بان ترکی فاصله سال های ۱۹۳۹-۱۹۴۲. کادر
نقطه چین وسعت امپراتوری مورد نظر بان ترکیست ها را شامل مناطق شمالی ایران وافغانستان
نشان می دهد. روی عنوان نشریه، جمله «نژاد ترک، برتر از همه نژادها» نوشته شده و تصویر گرگ
خاکستری در درون ماه و ستاره (در پرچم ترکیه و جمهوری آذربایجان کنونی) به چشم می خورد.

مورد بررسی قرار نگرفته است. جنبه‌های گوناگون بان ترکیسم، به ویژه تاریخ اولیه آن در میان گروه‌های ترک‌تبار جنوب روسیه و آسیای میانه در چند تک‌نگاری سودمند توصیف شده است (۱۳)۔ گرچه بخش اعظم ادبیات مربوط به بان ترکیسم دارای گرایش‌های ویژه بوده و در واقع حکم منابع اولیه را داشته است تا مطالعات عمیق پژوهشی. علاوه بر این، ایدئولوژی و سازمان بان ترکی در خود ترکیه هرگز مورد پژوهش قرار نگرفته است. دو اثری که روزشمار تاریخ بان ترکیسم را به دست داده‌اند، به ترکیه نیز اشاراتی داشته‌اند. اینها تورک‌چولوک^۱ اثر یوسف آقچورا، درانتهای سالنامه تورک ییلی^۲ که توسط او در ۱۹۲۸ تدوین شد (۱۴)، و تورک‌چولوگون تاریخی اثر حسین نامق اورکون^۳ هستند که اثر دوم شانزده سال بعد منتشر شد و شدیداً از تحلیل آقچورا اقتباس کرده است (۱۵). بعدها، پروفیسور بایور^۴ فصل مهمی از اثر تاریخی گسترده خود را به بان ترکیسم اختصاص داد (۱۶). این کوتاهی با توجه به این نکته بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم جنبش بان ترکیسم از اوایل قرن بیستم در ترکیه رو به توسعه گذاشته؛ و به واقع از جنگ جهانی اول به بعد ترکیه کانون فعالیت آن بوده است. علاوه بر این، اهمیت بان ترکیسم در سال‌های دهه ۱۹۶۰ و دهه ۱۹۷۰ بیشتر شد و به تدریج جایگاه مهمی در سیاست‌های رایج ترکیه پیدا کرد.

بنابراین ما توجه خود را بر بان ترکیسم در ترکیه متمرکز می‌کنیم و ماهیت و سیر تحول آن (هرچند نه به تفصیل تمام) و نیز نقش آن در ایجاد نوع جدیدی از ناسیونالیسم را که در ترکیه رایج شد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. اما، علاوه بر این، در سراسر این مطالعه تلاش و نکاپوی ملی‌گرایانه گروه‌های ترک‌تبار خارج ترکیه، به ویژه با توجه به لحن بان ترکی آن، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. گرچه تحلیل مفصل این نکاپو در گستره این مطالعه نمی‌گنجد، اما به تأثیر تحولات و فرازونشیب‌های آن اشاره خواهد شد. در اینجا نشان خواهیم داد که آغاز آگاهی ملی

1. Yusuf Akçura, *Türkçülük*2. *Türk Yılı*3. Hüseyin Namık Orkun, *Türkçülüğün tarihi*

4. Bayur

در میان گروه‌های ترک‌تبار [روسیه] عامل بسیار مهمی در ظهور پان‌ترکیسم در اواخر دوران امپراتوری عثمانی بوده است. در نتیجه، افکار عمومی در جمهوری ترکیه بیشتر تحت تأثیر شکایات (واقعی یا تخیلی) گروه‌های ترک‌تبار خارج از ترکیه برانگیخته شده است. سرانجام اینکه، فروپاشی اتحاد شوروی بار دیگر باعث از سرگیری تماس‌های مستقیم میان ترک‌های ترکیه و مردمان ترک‌تبار جمهوری‌های سابق شوروی شد، اما این تماس‌ها بیشتر بر همکاری اقتصادی و فرهنگی تأکید داشت تا بر الحاق‌گری سیاسی، که به نظر می‌رسد تبدیل به یک پدیده فرعی شده است.

نوشته‌های پان‌ترکی متشتر شده در اروپا برای پژوهش ما مفید بوده‌اند؛ گرچه این آثار - و اساساً نشریات - اغلب زودگذر بودند، اما در ترکیه توزیع می‌شدند و به سرعت بازتاب پیدا می‌کردند. این نوشته‌ها را تاحدی که در دسترس بود بررسی کرده‌ایم، اما منابع اصلی یا آثاری بوده‌اند که توسط خود پان‌ترکیست‌ها (یا مخالفان آنها) در ترکیه انتشار یافته‌اند. تلاش ما بر این بوده است تا بر گاهنامه‌هایی تکیه و تأکید کنیم که تجلی دیدگاه‌های گروه‌های گوناگون پان‌ترکی و بازتاب سازمانی آنها بوده‌اند. یادداشت‌های بایگانی وزارت خارجه آلمان، به ویژه یادداشت‌های مربوط به دو جنگ جهانی، و نیز رشته منابع گسترده موجود در آرشیوهای اداره اسناد عمومی^۱ در لندن، دیدگاه‌های گوناگونی در ارتباط با چند موضوع به دست داده‌اند. سرانجام اینکه، مصاحبه با چند تن از رهبران و سخنگویان پان‌ترکیست در ترکیه به روشن کردن برخی نکات تردیدآمیز کمک کرده است.

این کتاب بر آن است که از حد ارائه بررسی و تحلیل صرف پان‌ترکیسم در ترکیه و سایر نقاط با توجه به پیشینه ناسیونالیسم رو به ظهور در میان گروه‌های ترک‌تبار فراتر رود؛ بر این نیز نیست که تنها به مرور نقش پان‌ترکیسم در ناسیونالیسم یا سیاست‌های ترکیه پردازد. پان‌ترکیسم بنا به ماهیت خود یک ایدئولوژی و جنبش الحاق‌گرا بود، و اهداف گسترده آن نیز بیانگر همین نوع گرایش است. تلاش ما بر این است تا برخی از ویژگی‌های اساسی پان‌ترکیسم را با جنبش‌های مشابه سایر نقاط

(جهان) مقایسه کرده و خصوصیات مشترک و متفاوت آنها را به دست دهیم. در پایان باید گفت که بان ترکیسم بر احساسات و دیدگاه‌های عمیق و ریشه‌دار پیروان خود متکی است. به عنوان یک ناظر خارجی، امیدوارم از قضاوت‌های ارزشی اجتناب کرده و در جهت معرفی بی طرفانه این پدیده تلاش کرده باشم. اما از آنجا که انسان همیشه به منابع خود وابسته است، شاید اجتناب کامل از برخی خطاها ممکن نبوده باشد. هدف من در سراسر این کتاب نه ستایش و نه محکوم ساختن، بلکه مطالعه عینی یک پدیده جنجالی بوده است. این هدف در رابطه با تغییر و تحولات اخیر مربوط به گسترش بان ترکیسم، که در فصل پایانی کتاب مورد بحث قرار گرفته نیز به کار رفته است.

یادداشت‌ها

1. 'The Macedonian syndrome: an historical model of international relations and political development', *World Politics* (Princeton), XXIII (4): July 1971, pp. 665-83.
2. آرنولد توینی از اولین کسانی بود که به این تفاوت اشاره کرد. ر.ک. به: A.J. Toynbee, *Report on the Pan-Turanian Movement*, 1917, pp. 3-4.
نیز ر.ک. به:
L. Stoddard, *The new world of Islam*, 1921, pp. 161 ff.
3. Cf. J.L. Bacqué-Grammont, 'Turān: une description du Khanat de Khokand vers 1832 d'après un document ottoman', *Cahiers du Monde Russe et Soviétique* (Paris), XIII (2): 1972, esp. pp. 194-9.
4. درباره تورانی‌گری مجارستانی ر.ک. به:
'Turkey, Russia and Islam', *The Round Table* (London), Dec. 1917, pp. 101 ff.
برای اطلاع از اصطلاح «توران» و کاربرد آن ر.ک. به:
V. Minorsky, "Tūrān", *EI*¹, s.v.
در اوایل ۱۸۳۹، دانشمندان مجاری از اصطلاح «توران» برای توصیف سرزمین‌های ترکی آسیای میانه و جنوب شرقی استفاده می‌کردند. ر.ک. به:

Bernard Lewis, *The emergence of modern Turkey*, p. 341.

در سال‌های بعد، زبان‌شناسان هرچه بیشتر از «زبان‌های تورانی» سخن می‌گفتند.
ر.ک. به:

Naval Staff—Intelligence Department, *A manual on the Turanians and Pan-Turanianism*, 1918, p. 14.

مدتی بعد، در ۱۸۷۳، فر. فون. هلوالد (Fr. von Hellwald)، یک جغرافی‌دان آلمانی در کتاب خود، که یک‌سال بعد به انگلیسی ترجمه شد، درباره «ملت‌های توران» نوشت. ر.ک. به:

The Russians in Central Asia, London, King, 1874, pp. 96 ff; see also *Ibid.*, pp. 1–2, 42.

5. *Ibid.* and Karl Wipert, 'Der Turanismus', *Der Neue Orient* (Berlin), VI (4): Dec. 1922, pp. 202–10.

6. Cf. Geoffrey Wheeler, *The Peoples of Soviet Central Asia*, 1966, p. 65.

۷. علاوه بر آثار منتشرشده متعدد او در دو جلد از دست‌نوشته مکاتبات وامبری در فاصله ۱۸۸۹ و ۱۹۱۱ با وزارت خارجه در لندن موجود است. این مکاتبات را می‌توان در مکان زیر پیدا کرد:

The Public Record Office (PRO) in London, Foreign Office series (FO) 800/32 and 800/33.

یک تک‌پژوهی تازه درباره او منتشر شده است. ر.ک. به:

Lory Alder and Richard Dalby, *The dervish of Windsor Castle: the life of Arminius Vambery*, 1979.

8. Ch. 16, pp. 282–312.

9. Pp. 485–6.

۱۰. پتر کبیر.

11. *Western culture in Eastern lands*, 1906, p. 348.

12. X, 'Le Panislamisme et le Panturquisme', *Revue du Monde Musulman (RMM)* (Paris), XXII: Mar. 1913, p. 196.

۱۳. از این میان، اثر زیر را یکی از بهترین آثار یافته‌ام:

C.W. Hostler's, *Turkism and the Soviets: the Turks of the World and their objectives*.

۱۴. این اثر با حروف لاتین تحت عنوان زیر تجدید چاپ شد:

Dr Yusuf Akçura, *Türkçülük: 'Türkçülüğün tarihi gelişimi'*, Istanbul, 1978. Edited by Sâkin Öner.

15. Hüseyin Namık Orkun, *Türkçülüğün tarihi*, 1944.

در صفحات مختلف این اثر، بحثی دربارهٔ بان ترکیسم در ترکیه و خارج آن ارائه شده است.

16. Yusuf Hikmet Bayur, *Türk inkilâbı tarihi*, vol. II, part 4, pp. 398–436.